

تحلیلی بر نقش وام مسکن در توسعه روستایی مورد: دهستان سیدابراهیم دهلران

دکتر حسن افراخته^۱، نبی هواسی^۲

چکیده

یکی از مهمترین نیازهای توسعه روستایی، مسکن روستایی است. تأمین مسکن روستایی اغلب از عناصر مهم برنامه‌های مختلف توسعه بوده است. در سال‌های اخیر سیاست وام مسکن روستایی اجرا شده است و دولت از طریق وام مسکن اقدام به حمایت از نوسازی مسکن روستایی نموده است. هدف اساسی تحقیق حاضر بررسی نقش وام مسکن در تأمین مسکن روستایی به عنوان اجزای توسعه روستایی و تنگنای اجرای آن است. در این تحقیق سیاست "ارائه وام مسکن روستایی"، میزان توفیق و دلایل و عوامل موثر آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ناحیه مورد مطالعه تحقیق را دهستان سید ابراهیم از توابع شهرستان دهلران تشکیل می‌دهد. با توجه به ساختار روستاهای مورد مطالعه ۶۰ خانوار به طور تصادفی از روستاهای نمونه تحقیق انتخاب شده و پرسشنامه تحقیق با مراجعه مستقیم به خانوارها تکمیل شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده براساس آمار توصیفی و مطالعه مقایسه‌ای مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری قرار گرفته است. نتیجه نشان می‌دهد که سیاست وام مسکن روستایی با توفیق کامل همراه نبوده است زیرا در قالب برنامه‌ریزی سیستماتیک و جامع توسعه روستایی و هماهنگی با اهداف توانمندسازی ارائه نشده است. از این رو اساسی‌ترین خط‌مشی برای دستیابی به توسعه روستایی توانمندسازی جامعه بر پایه استعدادهای انسانی و منطقه‌ای است.

کلیدواژگان: وام مسکن روستایی، توسعه روستایی، دهلران، توانمندسازی، برنامه‌ریزی سیستماتیک.

۱. استاد دانشگاه تربیت معلم تهران

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

مقدمه

مسکن از دیرباز یکی از مهمترین عوامل زندگی بشر بوده است. داشتن سرپناهی ایمن و مطمئن از آرزوهای دیرینه هر انسانی بوده است که در این راه با توسل به انواع روش‌ها و تکنولوژی‌ها سعی در ارتقای کمیت و کیفیت مسکن نموده است. اهمیت مسکن باعث شده که در زمان‌های مختلف در جهت بهبود مسکن برنامه‌ریزی‌هایی صورت گیرد و چه بسا انتخاب برنامه صحیح در زمینه تأمین مسکن به روند توسعه کشورها کمک کرده است. تاکنون برنامه‌ریزی در زمینه تأمین مسکن بیشتر معطوف به شهرها بوده است. آنچه در باب مسکن روستایی نگاشته شده بیشتر کیفیت مساکن و نوع معماری را مورد بررسی قرار داده است. در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما هنوز درصد بالایی از جمعیت در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و با توجه به اشباع بیشتر شهرها و خالی شدن تعداد زیادی از روستاها لازم است که به توسعه روستایی توجه ویژه معطوف شود. یکی از مهمترین نیازهای توسعه روستایی، مسکن روستایی است. در برنامه‌های مختلف توسعه کشور ما بحث تأمین مسکن روستایی کم و بیش جایگاهی را به خود اختصاص داده است.

قبل از انقلاب، در برنامه اول توسعه (۱۳۳۴-۱۳۲۷)، به کیفیت نامناسب مسکن به عنوان یکی از مشکلات روستاها اشاره شده بود که بدون اقدام عملی در زمینه بهبود کیفیت آن سپری گردید. در برنامه دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۵) تنها به برخی خدمات زیرساختی در روستاها اشاره شده بود در حالی که ۳۰ درصد اعتبارات به عمران شهری و یک درصد اعتبارات به عمران روستایی تعلق گرفت و در آن ایام جمعیت روستایی کشور سه برابر جمعیت شهری بود.

برنامه سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۲) اشاره‌ای به مسکن روستایی نداشته است و سرانه سرمایه‌گذاری در طول این برنامه برای هر روستایی ۷۶ ریال و برای هر فرد شهری ۳۰۴۰ ریال بوده است.

عمران روستایی در برنامه چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۷) به عنوان فصل مستقلی مطرح شده ولی اشاره‌ای به تأمین مسکن ندارد. برنامه پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) ساخت حدود ۲۵۰۰۰ واحد مسکونی را پیش‌بینی کرده بود و در طول برنامه کارگاه‌هایی برای آموزش بنایان محلی به منظور ساخت خانه‌های بهتر در برخی نقاط استان لرستان تشکیل شد که نتیجه مثبتی هم داشته است ولی در برنامه ششم (۱۳۶۱-۱۳۵۷) مسکن روستایی به فراموشی سپرده شده بود.

با آغاز انقلاب بدون آنکه برنامه مدونی در زمینه تأمین مسکن روستایی وجود داشته باشد، اقداماتی صورت گرفت. در برنامه اول توسعه بعد از انقلاب (۱۳۶۷-۱۳۷۲) ساخت و احداث ۷۰۲ هزار واحد مسکونی روستایی پیش‌بینی شده بود. گرچه بخش عمده‌ای از این برنامه محقق نشد اما بسیاری از مشکلات حقیقی و حقوقی و موانع پیش روی در این زمینه مرتفع گردید.

در برنامه دوم بعد از انقلاب (۱۳۷۴-۱۳۷۸) پیش‌بینی ۶۱۲ هزار واحد مسکونی به صورت آزاد و ۴۲۵ هزار واحد مسکونی به صورت حمایت شده با استفاده از تسهیلات بانکی و ایمن‌سازی ۵۰۰ هزار واحد مسکونی برای مقابله با آسیب‌های ناشی از سوانح طبیعی پیش‌بینی شده بود.

در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) احداث و نوسازی ۸۰۲ هزار واحد مسکونی در روستاها پیش‌بینی شده بود و باید از این مجموع ۳۷۵ هزار با استفاده از تسهیلات بهسازی و ۵۰۰ هزار با استفاده از اعتبارات بازسازی مناطق سانحه دیده احداث می‌شد، اما در عمل تنها ۱۸.۷ درصد از ۳۷۵ هزار واحد مسکونی پیش‌بینی شده محقق گردید.

در برنامه چهارم (۱۳۸۹-۱۳۸۴) اهداف کلان توسعه مسکن در قالب بندهای «ب، ج، د» ماده ۳۰ شامل ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان، تهیه طرح جامع مسکن کشور و سیاست‌های حمایتی بخش مسکن اعلام شده است. (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۷-۵۶) در این راستا در سال‌های اخیر سیاست پرداخت وام مسکن روستایی اجرا شده است. دولت از طریق وام مسکن که در آغاز مبلغ ۶۷ میلیون ریال بود و بعد به مبلغ ۷۵ میلیون ریال، و اکنون مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال در برابر حداکثر سطح زیربنای ۶۰ مترمربع افزایش یافت، اقدام به حمایت از نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی نموده است.

هدف اساسی تحقیق حاضر، بررسی نقش وام مسکن در تأمین مسکن روستایی به عنوان اجزای توسعه روستایی است و به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که وام مسکن ارائه شده از سوی بنیاد مسکن چه نقشی در تأمین مسکن روستایی به عنوان جزئی از توسعه روستایی داشته و در اجرا با چه تنگناها و مشکلاتی مواجه بوده است؛ این سیاست به عنوان گام ضروری و مفید در تأمین مسکن روستایی تا چه اندازه با توفیق همراه بوده، و روستاییان را

در دستیابی به توسعه روستایی یاری کرده است؟ عوامل موثر در توفیق یا عدم توفیق آن چه بوده است؟

مسکن روستایی مفهومی فراتر از سرپناه فیزیکی و نقش تولیدی دارد به همین دلیل ضمام آن در رابطه با کارکردهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت اساسی می‌یابد و برنامه‌ریزی توسعه مسکن روستایی از روند توسعه روستایی و حتی توسعه جامع منطقه‌ای قابل تفکیک نیست. از این رویافته‌های مطالعه حاضر می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای اهمیت داشته و مورد استفاده متولیان امور قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

مطالعات به نسبت زیادی که تا کنون در زمینه مسکن صورت گرفته است، مسکن شهری را موضوع بررسی‌های خود قرار داده است. از جمله این مطالعات، برنامه‌ریزی مسکن است که ضمن بررسی مفهوم مسکن، ابعاد مختلف آن را بررسی کرده و برنامه‌ریزی پروژه‌های مسکن شهری را از دیدگاه فنی و اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. (دلال‌پورمحمدی، ۱۳۷۹) اهری و همکاران او^۱ در زمینه مسکن مطالعاتی منتشر کرده‌اند. بررسی نقش مسکن (اهری، ۱۳۶۷)، و تجارب کشورهای مختلف در تأمین مسکن به تفصیل بسیار (اهری، امینی جدید، ۱۳۷۵) از جمله فعالیت‌های مختلف در رابطه با مسکن و خانه‌سازی شهری است. بررسی سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد موضوع مقاله‌ای است که به طور اختصاصی سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد را در شهر تبریز مورد بررسی قرار داده و به طور مشخص دو سیاست آپارتمان‌سازی و آماده‌سازی را مورد ارزیابی قرار داده است (پورمحمدی، خوب آیند، ۱۳۶۹: ۷۶-۳۵). مجموعه مقالات کنفرانس‌های سیاست‌های توسعه مسکن توسط وزارت مسکن و شهرسازی در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ در تهران مملو از مقالاتی است که در مورد سیاست‌های توسعه مسکن شهری و ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی آن به رشته تحریر درآمده است ولی این مقالات فاقد هرگونه بحث لازم در مورد مسکن روستایی است. دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن فصلنامه‌ای

۱. این کتاب توسط مهندس زهرا اهری تدوین شده است که حاصل کار پژوهشی ایشان و دکتر اصغر ارجمندنی، دکتر سیدمحسن حبیبی و دکتر فرهاد خسروخاور بوده است.

تخصصی منتشر می‌کند که تحولات بازار مسکن به ویژه در شهر تهران، و قیمت روز بازار مسکن در شهرهای منتخب از جمله موضوعات کانونی آن است (دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد مسکن، فصلنامه اقتصاد مسکن، ۱۳۸۱، ۱۳۸۰، ۱۳۷۹)، مجله مطالعات مسکن^۱ اغلب مقالات خود را به مسکن شهری اختصاص می‌دهد و در آن از مسائلی چون نقش مسکن در تأمین رفاه خانوار، ایجاد فرصت و احساس قدرت برای ساکنان سخن گفته و نتیجه می‌گیرد. مسکن باید از نظر فیزیکی فضای مناسب در اختیار اعضای خانوار قرار داده و از نظر مالی با استطاعت خانوار هماهنگ باشد. (Bratt, 2002:13-26)

در مقابل ادبیات بسیار زیادی که در باب مسکن شهری وجود دارد، مسکن روستایی موضوع مطالعات بسیار محدودی بوده است. در مجله تخصصی مطالعات روستایی در باره موضوع این مطالعه مقاله‌ای دیده نمی‌شود و در مقاله‌ای از این مجله بی‌خانمانی روستایی در چند ایالت آمریکا بررسی شده است که از نظر موضوع با بررسی حاضر مشابه ولی هدف و محتوی آن با هدف و محتوی این مقاله متفاوت است. (Lawrence, 1995: 297-307)

برمبزه مسکن و معماری در جامعه روستایی ایران را با دید مردم‌شناسی بررسی کرده است و نظری به کمیت و یا کیفیت مسکن روستایی و یا سیاست تأمین آن ندارد (برمبزه، ۱۳۷۰). در مقاله "برنامه‌های توسعه و ضرورت بهسازی خانه‌های روستایی" کاستی‌ها و تنگناهای مسکن روستایی در غرب گیلان مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه رسیده است که مسکن سنتی از نظر تأمین بهداشت خانواده و فضاهای مورد استفاده فصول گرم و سرد با مشکل مواجه است. (افراخته، ۱۳۷۸: ۲۳-۳۴) شاید گسترده‌ترین مطالعات در این زمینه بررسی‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی باشد که در قالب طرح‌های هادی و یا طرح‌های نمونه در فصلی از شرح وظایف خود کمیت و کیفیت مسکن روستایی را در سه بخش نوساز، مرمتی و تخریبی بررسی کرده و کمبودها و نیازهای آن را در افق طرح بررسی می‌نماید. همین سازمان در گزارش‌های مختلف دیگری از جمله شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی، شیوه‌های سکونت و الگوهای مسکن‌گزینی در مناطق روستایی را تجزیه و تحلیل و چاپ کرده است. (سعیدی و دیگران، ۱۳۷۵) این سازمان در فصلنامه تخصصی خود مقالات زیادی

منتشر کرده اما مصالح بومی، معماری بومی و معماری سنتی اعم موضوعات آن را تشکیل می‌دهد و در سایر موارد نگاه شهرمدارانه دارد. (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸) از این روتا آنجا که نگارنده مطلع است، مسکن روستایی و به ویژه سیاست‌های تأمین آن موضوع بررسی مستقلی نبوده و این جنبه مقاله حاضر آن را از بررسی‌های پیشین متمایز می‌سازد.

مواد و روش‌ها

ناحیه مورد مطالعه تحقیق را دهستان سیدابراهیم از توابع شهرستان دهلران استان ایلام تشکیل می‌دهد. (نقشه شماره ۱) استان ایلام از جمله استان‌هایی است که هنوز جمعیت زیادی از آن در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. این استان از نظر شاخص‌های توسعه جایگاه نازلی دارد و روند مهاجرت رکودی در آن از دهه شصت به بعد سرعت بالایی داشته که همچنان ادامه دارد. بدون تردید برنامه‌ریزی تأمین مسکن روستایی از ضروریات اولیه توسعه استان است.

دهستان سیدابراهیم در محدوده جغرافیایی طول ۴۶ درجه و ۵۶ دقیقه و ۲۸ ثانیه و در عرض ۳۳ درجه و ۱ دقیقه و ۶ ثانیه قرار گرفته است که در فاصله ۳۵ کیلومتری شهرستان دهلران واقع شده است. دهستان دارای ده نقطه روستایی به شرح جدول شماره ۱ است. شکل و بافت روستاهای این منطقه کوهستانی و متمرکز است. با توجه به ساختار روستاهای مورد مطالعه روستاهای سیدابراهیم، تختان، خربزان بالا، خربزان پایین و بردی به عنوان روستاهای نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است که مجموع جمعیت آنها برابر ۵۲۸ خانوار است. از خانوارهای مزبور در مجموع ۶۰ خانوار معادل حدود ۱۰ درصد خانوارها برحسب سهم جمعیت هر روستا به عنوان خانوارهای نمونه مطالعه انتخاب و پرسشنامه تحقیق با مراجعه مستقیم به خانوارها تکمیل شده است.

همانگونه که گفته شد توانمندسازی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم توسعه است، اما تحلیل وضعیت ناحیه با استفاده از دیدگاه پوزیتیویستی میسر نیست. از این رو، در اینجا سه شاخص توصیفی برای سنجش توانمندسازی در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

شاخص سازماندهی اداری که گویه‌های "فاصله زمان تصویب تا پرداخت وام"، "سنددار کردن زمین مورد ساخت مسکن"، "نحوه معرفی ضامن"، و "نحوه نظارت مهندس ناظر" برای سنجش آن به کار رفته است.

شاخص سازماندهی اقتصادی که "دارا بودن شغل و نوع آن"، "میزان درآمد"، "کاهش تعداد دام بعد از ساخت مسکن به دلیل تأمین بخشی از هزینه ساخت مسکن" و "ترک مسکن بعد از ساخت آن به دلیل فقدان شغل" از گویه‌هاست.

شاخص سازماندهی اجتماعی که با گویه‌های "میزان سواد"، "ابعاد خانوار" و "علت ساخت مسکن با استفاده از وام"، سنجیده شده است.

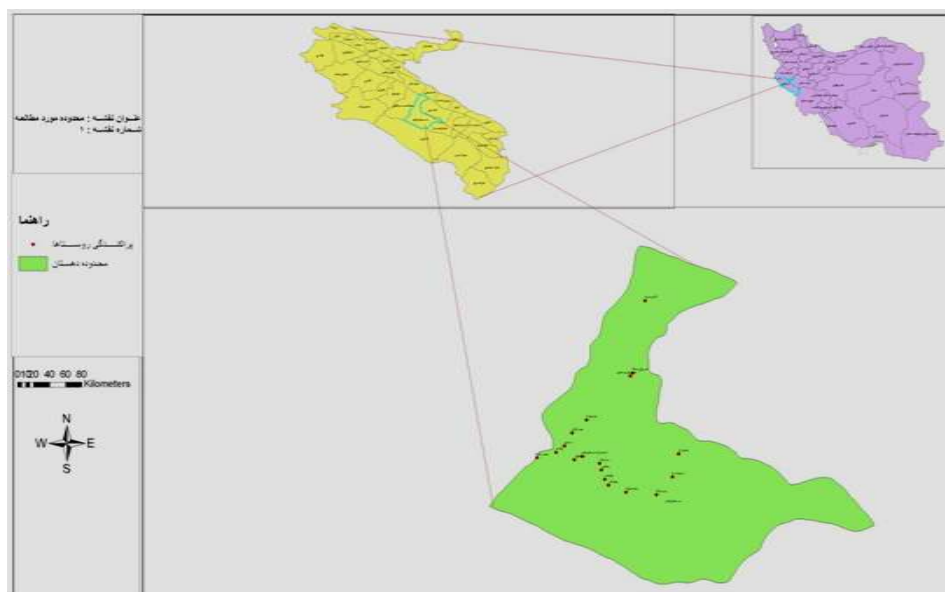
اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس آمار توصیفی، تحلیل مقایسه‌ای و آزمون ویلکاکسون (فتوحی، ۱۳۸۲: ۲۲۰-۲۱۹) مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

جدول ۱: روستاها و جمعیت آن در دهستان سیدابراهیم

روستا	سیدابراهیم	چمسرخ	تختان	سرکمر	خریزان بالا	خریزان پایین	بانه موله	بهارآب	بوستانه	بردی
خانوار	۲۹۰	۱۷	۲۷	۲۶	۳۲	۱۴	*	۴	*	۱۶۵
جمعیت	۱۵۴۷	۱۱۵	۱۵۰	۱۴۴	۱۵۱	۸۳	*	۱۷	*	۱۵۳

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

* دارای سه خانوار و کمتر جمعیت بوده‌اند.



یافته‌های تحقیق

اقلیم این منطقه نیمه‌خشک و گرم است. حداکثر دمای آن تا ۴۰ درجه در تابستان و حداقل آن در زمستان گاهی به زیر صفر هم می‌رسد. بارندگی اغلب در زمستان و مقداری هم در بهار به وقوع می‌پیوندد.

محصولات این دهستان اغلب گندم جو دیم است که بیشتر برای تغذیه دام به کار می‌رود و گاهی عدس و لوبیا در حد مصرف خانوار تولید می‌شود.

استان ایلام در سال ۱۳۸۵ کم جمعیت‌ترین استان کشور بوده است. گرچه جمعیت شهری بیش از جمعیت روستایی بوده است، اما جمعیت روستایی از نظر درصد و قدر مطلق همچنان بالاست. در این سال از کل جمعیت، ۶۱ درصد جمعیت شهری و ۳۹ درصد جمعیت روستایی و عشایری بوده است. در سال ۱۳۸۵، جمعیت عشایری حدود دو درصد جمعیت جمعیت روستایی ۱۹۳۲۲۲ نفر و کل جمعیت شهری و روستایی استان، ۵۳۰۴۶۴ نفر بوده است.

زبان‌های رایج در بین مردم کردی فیلی، کردی کرمانجی، لکی، لری، و تا حدودی عربی است. کردی ایلامی گویش عمده مردم ایلام از جمله طوایف مختلف است که با اندک اختلافی در شهرهای ایلام، سرابله، بدره، و بخش‌های عمده‌ای از نواحی جنوبی استان از جمله دره‌شهر، آبدانان، دهلران و در نواحی روستایی این شهرستان‌ها تکلم می‌شود. دین مردم ایلام اسلام و مذهب آنها شیعه است.

جمعیت استان مرکب از ۱۱۳ ایل^۱، ۸۰ طایفه و ۱۵۱ تیره است. هر ایل از چند طایفه و هر طایفه از چند تیره تشکیل شده است. طبق این سلسله مراتب در نواحی روستایی مالکیت اراضی در بین ایل و بعد در درون طایفه و در سرانجام در بین تیره‌ها به صورت اشتراکی تقسیم شده است. مالکیت زمین در بین تیره‌ها در نواحی روستایی به صورت عرفی تقسیم شده است و در جایی ثبت نشده است که تمام روستاییان کاملاً به آن پایبند هستند. خرید و فروش زمین خیلی به ندرت صورت می‌گیرد. این تقسیم‌بندی در نواحی روستایی سبب شده است که هر

۱. ایلات استان عبارت‌اند از: ایل کرد، ایل کرد دره‌شهر، ایل ملک‌شاهی، ایل بدره، ایل ایوان، یالاوند زردکان، ایل خزل (غرب)، ایل میشخاص، ایل ارکوازی، ایل شوهان، ایل بولی، ایل کلهر، ایل چعب، ایل ده بالایی.

تیره در یک محدوده خاص جمع شده باشند و ساخت‌وسازها در همسایگی هم صورت گیرد و خیلی کم پیش می‌آید که افرادی خارج از تیره آنها در این محدوده خانه بسازد، زیرا زمین قابل ساخت‌وساز به دلیل توپوگرافی ناهموار محدود است و همین مسأله سبب شده است که در روستاها افرادی فاقد زمین جهت ساخت مسکن و یا صاحب زمینی در مکان نامناسب و بدون دسترسی به امکاناتی مانند برق و آب لوله‌کشی باشند. نمونه آن در روستای تختان در دهستان سیدابراهیم است. با این حال تأمین زمین برای افراد تیره واحد هم راحت‌تر بوده و آنان از نظر برخوردارهای همسایگی مشکلی ندارند. این دهستان از لحاظ دسترسی خطوط مناسبی ندارد. مصالح به کار رفته در ساختمان‌های مسکونی سستی که هنوز بیشتر جمعیت در غم ساخت مسکن جدید، در آنها ساکن هستند، از سنگ و سیمان و تعدادی هم از سنگ و گچ هستند. اما مصالح به کار رفته در ساختمان‌های جدید بلوک و سیمان یا آجر و سیمان همراه میلگرد (شناژ) است. در مسکن سستی (قبل از ساخت‌وسازهای جدید) در کنار یا جلوی خانه ساخته شده معمولاً یک فضای خالی جهت انبار کردن یا نگهداری و همچنین تعلیف دام با استفاده از علوفه جمع‌آوری شده (کاه، جو، گندم) وجود داشته است. برای ساخت‌وسازهای جدید برخی روستاها از جمله روستای تختان خیابان‌کشی شده است. در نتیجه فضای خالی مقابل خانه‌ها که در سیستم سستی برای کارکرد خاصی تعبیه شده بود، حذف شده است و خانه‌ها یا بدون فاصله از یکدیگر یا با فاصله محدود کوچه و خیابان بنا شده‌اند.

شغل اغلب مردم روستایی هنوز فعالیت‌های مربوط به دامداری است. در این دهستان دام‌ها، بیستم اسفندماه به صورت رمه‌گردانی^۱ از روستاها به مناطق کوهستانی (کبیرکوه-کلونی) گسیل می‌شوند و تا زمان برداشت محصولات (۱۵ خرداد تا ۱۵ تیر) در آنجا از چرا استفاده کنند. به هنگام برداشت محصول، دام‌ها به مناطق روستایی برگردانده می‌شوند و نگهداری آنها در روستا ممکن است به دلیل خشکی هوا و کمبود آب، تا اول مهرماه هم به طول انجامد. اول مهر دوباره دام‌ها برای استفاده از مراتع به مناطق کوهستانی فرستاده می‌شود و اقامت آنان در این مناطق تا اواسط آذرماه و گاهی تا اول دی‌ماه ادامه می‌یابد. از آن زمان تا ۲۰ اسفند

1. Transhumance

مجدد دام‌ها در مناطق روستایی نگهداری می‌شوند. دامدارانی که تعداد دام‌های آنها محدود (کمتر از ۵۰ رأس) است، در کوچ پاییزه شرکت ندارند. در ایام نگهداری دام‌ها در مناطق روستایی استفاده از آخور دام و تعلیف دامها با علوفه خشک الزامی است. میزان تولید برحسب نوع دام (بز یا گوسفند) و کیفیت بارش سالیانه بسیار متغیر است. کشاورزی در مرحله بعد و در حد محدودتری مردم را به خود جذب کرده است. گروه کثیری از مردم با کارگری روزمزدی معیشت خود را جستجو می‌کنند. (جدول شماره ۲) بنابراین مردم در دسترسی به منابع درآمد و معیشت پایدار با محدودیت روبرو هستند.

جدول ۲: شغل جمعیت روستایی مورد مطالعه

نوع کار	کارگری	کشاورزی	دامداری	سایر	جمع
تعداد	۱۱	۱۳	۳۴	۲	۶۰
درصد	۱۸.۳	۲۱.۷	۵۶.۷	۳.۳	۱۰۰

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

جدول شماره ۳ میزان سواد جمعیت مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بر این اساس، اغلب جمعیت بیسوادند و بخش مهمی از جمعیت تنها سواد خواندن و نوشتن دارند و سواد بقیه هم چندان ربطی به مهارت شغلی آنان ندارد. چنین جمعیتی مهارت لازم برای تولید درآمد پایدار را نداشته و قادر به مطالبه حقوق اجتماعی خود نیستند.

جدول ۳: میزان سواد جمعیت مورد مطالعه

میزان سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه و دیپلم	بی سواد	جمع
تعداد	۱۳	۲۴	۴	۱۹	۶۰
درصد	۲۱.۷	۴۰	۶.۷	۳۱.۶	۱۰۰

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

جدول شماره ۴، ابعاد خانوار جمعیت روستایی مورد مطالعه را نشان می‌دهد. براساس جدول ابعاد خانوار بالا است و هنوز ۸۵ درصد خانوارها جمعیتی بالاتر از ۵ نفر دارند. به عبارت دیگر جمعیت مورد مطالعه قادر به برنامه‌ریزی زندگی اجتماعی خود نبوده‌اند.

جدول ۴: ابعاد خانوار جمعیت روستایی مورد مطالعه

جمع	بالاتر از ۷	۷-۵	کمتر از ۵	بعد خانوار
۶۰	۱۸	۳۳	۹	تعداد
۱۰۰	۳۰	۵۵	۱۵	درصد

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

جدول شماره ۵ بیانگر درآمد جمعیت روستایی است، بخش مهمی از خانوارها دارای درآمد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در ماه و حداکثر درآمد خانوار حدود ۳۵۰ هزار تومان در ماه است. چنین درآمدی قادر به تضمین معیشت پایدار مردم نیست..

جدول ۵: درآمد جمعیت روستایی مورد مطالعه به هزار تومان در ماه

جمع	۳۵۰-۳۰۰	۳۰۰-۲۰۰	کمتر از ۲۰۰	شرح
۶۰	۲۸	۲۶	۶۰	تعداد
۱۰۰	۴۶.۷	۴۳.۳	۱۰	درصد

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

بر اساس جدول شماره ۶، ۶۱.۶ درصد جمعیت که وام مسکن دریافت کرده‌اند، فاقد هر نوع مسکنی بوده و تا اول دهه ۶۰ تمام خانوارهای دهستان سیدابراهیم در زیر سیاه چادر^۱ بسر می‌بردند. از اوایل دهه ۶۰ کم‌کم ساخت خانه دائمی شروع شد که این روند به حدی کند

۱. سیاه چادر از موی بز و توسط خانم‌های روستایی یا عشایر از ریسندگی تا پایان کار به طور سنتی انجام می‌شود. هر ساله یک قسمتی از آن که "تخته" نام دارد جایگزین تخته قدیمی می‌شود. بزرگترین مشکل سیاه چادر در فصل زمستان است که زندگی در زیر آن خیلی سخت بوده به طوری که سرمای درون و بیرون آن تفاوت چندانی ندارد.

بوده است که هنوز جمعیت قابل توجهی از مردم این روستاها زیر سیاه چادر به سر می‌برند و با شروع پرداخت وام مسکن روستایی این افراد اقدام به ساخت مسکن کرده‌اند. ۱۶.۶ درصد آنان در مسکن کوچکی زندگی می‌کرده‌اند که فاقد حداقل فضای لازم زندگی بوده است. مسکن ۲۱.۸ درصد آنان تخریبی بوده است.

جدول ۶: علت ساخت مسکن با استفاده از وام از نظر متقاضیان

جمع	قدیمی و تخریبی	مسکن کوچک	فاقد مسکن	علت ساخت مسکن جدید
۶۰	۱۳	۱۰	۳۷	تعداد
۱۰۰	۲۱.۸	۱۶.۶	۶۱.۶	درصد

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۱

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که روستاییان از نظر تأمین شرایط دریافت وام با مشکل سنددار بودن زمین روبرو بوده‌اند و از سازماندهی اداری مطلوبی برخوردار نبوده‌اند.

جدول ۷: وضعیت روستاییان از نظر سند دار بودن زمین مسکن

جمع	مشکلی نداشته‌اند	مشکلی داشته‌اند	شرح
۶۰	۲۴	۳۶	تعداد
۱۰۰	۴۰	۶۰	درصد

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۱

بررسی نشان می‌دهد که ۶۱.۶ درصد متقاضیان وام با مشکل معرفی ضامن برای دریافت وام روبرو بوده‌اند. (جدول شماره ۸) چون بنیاد مسکن افراد متقاضی را برای دریافت وام به بانک‌های مختلف معرفی می‌کند. بانک جهت پرداخت وام از متقاضی می‌خواهد که دو نفر ضامن کارمند و یک ضامن دارای جواز کسب معرفی نمایند. گاهی ممکن است برحسب نوع بانک تعداد ضامن به دو نفر تقلیل یابد. با توجه به ساختار اجتماعی و شغلی مردم ناحیه، آنان

از این جهت با مشکل مواجه بوده‌اند و وقت زیادی از آنان تلف شده است. این وضعیت مبین فقدان سازماندهی اداری مطلوبی در جهت اجرای روند برنامه توسعه است.

جدول ۸: وضعیت روستاییان از نظر مشکل معرفی ضامن برای دریافت وام

شرح	مشکلی داشته‌اند	مشکلی نداشته‌اند	جمع
تعداد	۳۷	۲۳	۶۰
درصد	۶۱.۶	۳۸.۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

در این ناحیه، ۱۸.۴ درصد مردم اعلام کرده‌اند که مهندس ناظر بنیاد مسکن با آنان همکاری کرده و کمبودهای شرایط دریافت وام را نادیده گرفته است. از نظر آنان در ۲۱.۶ درصد موارد مهندس ناظر غیاباً ساخت‌وساز آنها را تأیید کرده است و در ۶۰ درصد موارد ساختمان توسط مهندس به دقت نظارت شده است. (جدول شماره ۹)

جدول ۹: نحوه برخورد مهندس ناظر با متقاضیان دریافت وام

نحوه برخورد	همکاری کرده	دقیق کنترل کرده	مهندس غیاباً تأیید کرده است	جمع
تعداد	۱۱	۳۶	۱۳	۶۰
درصد	۱۸.۴	۶۰	۲۱.۶	۱۰۰

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

بنابه ادعای مردم، فاصله زمانی تصویب وام تا پرداخت آن طولانی بوده و اغلب بیش از ۸ تا ۹ ماه طول می‌کشد (جدول شماره ۱۰) و روستاییان را با سرگردانی مواجه می‌کند. علاوه بر آن پرداخت وام طی چهار مرحله و هر یک بعد از اتمام بخش تعریف شده‌ای از ساخت مسکن صورت می‌گیرد. موارد مزبور (شیوه برخورد مهندس ناظر و پرداخت وام) بیانگر عدم سازماندهی مناسب اداری در ناحیه است.

جدول ۱۰: فاصله زمانی تصویب تا پرداخت وام برحسب ماه

فاصله زمانی	۵-۴	۷-۶	۹-۸	جمع
تعداد	۱۰	۲۶	۲۴	۶۰
درصد	۱۷.۳	۴۳.۳	۴۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

تأمین مصالح ساختمانی یکی از مشکلات مردم در ساخت مسکن بوده است و حدود ۶۵ درصد آنان از این نظر با مشکل مواجه بوده‌اند. یکی از مشکلات هزینه سنگین حمل و نقل به دلیل خاکی بودن و نامناسب بودن راه‌های ارتباطی است. مشکل دیگر آنان استفاده از سیمان سهمیه‌بندی بوده است که متقاضی برای دریافت سیمان می‌باید بارها به محل توزیع سیمان مراجعه نماید. گاهی فرد متقاضی تا ۲ ماه هر روز به شهر در رفت و آمد و در نوبت دریافت سیمان معطل مانده است که علاوه بر اتلاف وقت و هزینه، سبب تأخیر در انجام کار ساختمانی شده است.

باز پرداخت وام بعد از یکسال از پرداخت آخرین بخش وام آغاز می‌شود که طی ۱۲ قسط سالیانه و با سود پنج درصد انجام می‌گیرد. هر قسط حدود ۶۵۰۰۰۰۰ ریال است. در منطقه مورد مطالعه حدود ۷۸ درصد وام‌گیرندگان با مشکل بازپرداخت وام روبرو هستند. تنها کسانی که بیش از ۸۰ رأس دام داشته‌اند، توانسته‌اند با فروش چند رأس دام به هنگام سررسید اقساط، و نه با فروش محصول دام، قادر به بازپرداخت وام بوده‌اند.

جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که در هریک از روستاهای نمونه درصد قابل توجهی و به طور متوسط ۳۴ درصد از روستاییان پس از ساخت مسکن جدید آن را ترک کرده‌اند.

جدول ۱۱: ترک مساکن جدید توسط روستاییان در روستاهای نمونه

روستا	سیدابراهیم	چمسرخ	تختان	سرکمر	خربران بالا	بردی
خانوار	۲۹۰	۱۷	۲۷	۲۶	۳۲	۱۶۵
مسکن نوساز با استفاده از وام	۱۴۰	۱۶	۲۵	۱۸	۲۰	۱۰۰
مساکن ترک شده (تعداد)	۵۱	۵	۱۰	۸	۶	۲۲
مساکن ترک شده (درصد)	۳۶.۴	۳۱.۲	۴۰	۴۴.۴	۳۰	۲۲

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۸

زیرا بیش از نیمی از کسانی که از طریق دریافت وام اقدام به ساخت مسکن جدید کرده‌اند (۵۲ درصد)، از ساخت مسکن جدید خود رضایت ندارند.

۳۱.۶ درصد جمعیت بعد از ساخت مسکن جدید شغل خود را تغییر داده‌اند. گروهی از این افراد دامدار بوده‌اند که به دلایل مختلف از جمله خشکسالی دهه اخیر از دامداری دست کشیده و به کشاورزی روی آورده‌اند ولی به دلیل کوهستانی بودن منطقه و فقدان زمین کشاورزی مناسب، تسلط نظام زراعی دیمی و سنتی، کشاورزی موجود قادر به تأمین معیشت خانوار نیستند که بیکاری پنهان، آنان را مجبور به جستجوی شغل مناسب‌تر کرده است.

در تعدادی از این روستاها در طی چند سال گذشته فعالیت راه‌سازی رواج داشت. در مدت مذکور، راه بین شهرستان آبدانان به شهر میمه که حدود ۱۳۰ کیلومتر است، زیرسازی می‌شده است. در آن ایام نیاز به کارگر سبب شد که بسیاری از روستاییان از فعالیت‌های دیگر دست کشیده و به کارگری روی بیاورند. با اتمام این پروژه مجدداً بیکاری نیروی کار زیاد شد که عده‌ای از آنها مجبور به مهاجرت شده‌اند و چون امکان فروش و یا اجاره مسکن فراهم نمی‌باشد مسکن جدید بدون استفاده رها شده‌اند.

تعداد دام‌های دامداران کنونی نیز بعد از ساخت مسکن جدید کاهش پیدا کرده است. به طوری که جدول ۱۲ نشان می‌دهد، تعداد حداقل و حداکثر و متوسط تعداد دام دامداران تفاوت محسوسی را نشان می‌دهد. همه این افراد دام‌های خود را جهت تکمیل بنای مسکونی فروخته‌اند و یکی از آنان که دارای ۷۰ رأس دام بود، کل دام‌های خود را فروخته و به گروه کارگران ساکن روستا تبدیل شده است. این امر مبین عدم سازماندهی اقتصادی مردم در تضمین شغل پایدار و در آمد کافی در برابر هزینه زندگی است.

جدول ۱۲: تغییرات تعداد دام دامداران بعد از ساخت مسکن جدید

تعداد دام	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
قبل از ساخت مسکن	۷۰	۱۴۰	۱۰۵	۲۱.۱
بعد از ساخت مسکن	۰	۱۳۰	۶۶	۳۵.۶

مأخذ: یافته‌ها، ۱۳۸۱

اکنون ظرفیت مراتع طبیعی ناحیه بیش از چرای دام‌های موجود است و حدود ۶۰ درصد مراتع کبیر کوه بلااستفاده باقی می‌ماند و بنا به اظهار بومیان علوفه خشک شده طبیعی خطر وقوع آتش‌سوزی کبیر کوه را افزایش داده است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی نشان می‌دهد که هیچ یک از شاخص‌های مورد نظر (سازماندهی اداری، سازماندهی اقتصادی و سازماندهی اداری) در ناحیه مورد مطالعه با روند توانمندسازی جمعیت در راستای توسعه روستایی هماهنگ نیست. با توجه به مشکلات زیادی که در زمینه مسکن روستایی در ایران و منطقه مورد مطالعه وجود داشته است، تخصیص اعتبار بنیاد مسکن در ساخت مسکن روستایی گام مهم و ارزشمندی محسوب می‌شود اما معضل توسعه روستایی کشور، مشکلی سیستماتیک است که تأمین مسکن روستایی یکی از اجزای آن است. به همین دلیل اجرای این سیاست با مشکلاتی روبرو شده است.

در جامعه عشایری فعالیت عمده متوجه پرورش دام است در بخش کشاورزی فعالیت بسیار ناچیز و تنها برای تأمین نیاز خانوار است. این امر چه در عشایر کوچنده و چه خانواده‌های عشایر اسکان داده شده صادق است. (طیبی، ۱۳۷۸: ۱۶۹) بنابراین برنامه‌ریزی برای تنوع منابع درآمدی این جامعه اهمیت بسیار دارد. به همین جهت در نقاطی که عشایر اسکان یافته‌اند، ناکافی بودن منابع آب و خاک، فصلی بودن استعدادهای تولیدی و در نتیجه کاهش اشتغال و درآمد، افزایش هزینه‌های زندگی و مخارج خانوار، و نارسایی زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی، بازتاب فضایی خود را در قالب ناتوانی سکونتگاه در جذب و نگهداشت جمعیت و افزایش مهاجرت به نقاط دور و نزدیک نشان داده است. (توکلی - ضیاءتوانا، ۱۳۸۸: ۵۳-۸۶) از آنجا که عنصر اصلی در اسکان جمعیت اشتغال آنها است، صرفاً تأمین سرپناه قادر به حل مشکل نیست و این امری است که در گذشته تحت عنوان "راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی" در قالب برنامه چهارم قبل از انقلاب و برنامه اول و دوم بعد از انقلاب در ایران اجرا شد ولی چون صرفاً ابعاد فیزیکی و کالبدی مطرح بوده و به بعد اقتصادی و اجتماعی توجه لازم مبذول نشد، موفقیتی دربر نداشته است. (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۲۰)

سیاست‌های توسعه روستایی باید بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی روستاییان فقیر را هدف‌گیری نماید. این فرایند شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. این گروه شامل کشاورزان خرده‌پا، خوش‌نشینان و کشاورزان بی‌زمین است. (دیاس، ویکرامانایاک، ۱۳۶۸، ۷۳) در نتیجه توسعه روستایی شامل فرایند عمیقی از تغییرات در کل جامعه است. این فرایند روشی برای افزایش فرصت‌های قابل دسترسی برای فرد و افزایش امکانات بهره‌وری از آنهاست. توسعه روستایی به نوین‌سازی جامعه روستایی می‌پردازد و آن را از یک انزوای سنتی به جامعه‌ای تغییر خواهد داد که با اقتصاد ملی عجین شده است. بنابراین هدف‌های توسعه روستایی در محدوده یک بخش خلاصه نمی‌شود، بلکه مواردی چون بهبود و بهره‌وری، افزایش اشتغال، تأمین حداقل قابل قبول غذا، مسکن، آموزش و بهداشت را دربر می‌گیرد (مشاورین DHV، ۱۳۷۱، ۲۰) بانک جهانی در سال ۱۹۷۵ عنوان داشته توسعه روستایی راهبردی در جهت بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی روستاییان فقیر است. این امر متضمن انتقال منافع به افراد بسیار فقیری است که در نواحی روستایی در پی تأمین معاش‌اند. این گروه شامل کشاورزان خرده‌پا، اجاره‌داران و افراد فاقد زمین است. (چمبرز، ۱۳۷۷، ۱۸۶)

بنابراین اعطای اعتبار برای تأمین مسکن گرچه ارزش خود را در نوسازی خانه‌های روستایی دارد، نتوانسته است به کامیابی جامعه روستایی بیانجامد؛ ۵۲ درصد از کسانی که از طریق دریافت وام اقدام به ساخت مسکن جدید کرده‌اند، از ساخت مسکن جدید خود رضایت ندارند. حدود ۷۸ درصد وام‌گیرندگان با مشکل بازپرداخت وام روبرو هستند؛ به طور متوسط ۳۴ درصد از روستاییان پس از ساخت مسکن جدید، قادر به استفاده از مسکن خود نبوده و آن را ترک کرده‌اند.

عواملی که به نارضایتی روستاییان از ساخت مسکن جدید منجر شده متفاوتند. از جمله: اول، کوچک بودن ساختمان جدید با توجه به ابعاد خانوار روستایی یکی از عوامل نارضایتی مردم است. زیرا ۸۵ درصد خانوارها جمعیتی بیش از ۵ نفر دارند و جمعیت ۳۰ درصد خانوارها بیش از ۷ نفر است و ابعاد بالای خانوار در این روستاها با سطح زیربنای ۶۰ مترمربع هماهنگی ندارد.

دوم، مسکن و ضمایم آن ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد و اشتغال روستایی دارد اما در این منطقه به شغل جمعیت که اغلب دامداری است، توجه لازم مبذول نشده و به همین دلیل مسکن ساخته شده فاقد فضا و ضمایم مورد نیاز اقتصاد و فرهنگ کشاورزی روستایی است که در مواردی روستایی را متحمل هزینه اضافی کرده و به نارضایتی آنان از ساخت مسکن جدید منجر شده است. عدم هماهنگی ابعاد و بافت ساختمان و اشتغال روستاییان در دهستان سیدابراهیم به خوبی محسوس است. ۵۶.۷ درصد خانوارهای این روستاها دامدار هستند و نیازمند خانه‌هایی با فاصله زیاد از یکدیگر و زیربنایی بالا هستند که در طرح بنیاد مسکن خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است. این مورد موجب انگیزش تنش‌های زیادی در روستاها شده است. زیرا دام‌ها برای خانوار مجاور بخصوص در فصل زمستان مزاحمت ایجاد می‌کرده است. شغل دامداری نیازمند فضای لازم برای نگهداری دام، علوفه و... است. در روستاهای مورد مطالعه گاهی افراد در فصل زمستان به اجبار به نقاطی نقل مکان کرده و در کپر زندگی می‌کند تا فضای مورد نیاز دام را به طور سستی تأمین کرده باشد. از این رو ساختمان‌های نوساز بدون استفاده مانده است و خانوار در زیر سیاه چادر به سر برد. در طرح مزبور، طراحی مسکن روستایی برای نقاط مختلف کشور اعم از شمال، جنوب، غرب و شرق و برای کلیه گروه‌های شغلی، اجتماعی و درآمدی روستایی به صورت واحدی ارائه شده است که منطبق با نیازها و خواست‌های آنان نیست.

سوم، مناطق روستایی اغلب فاقد زیرساخت‌ها و راه‌های ارتباطی مناسبی است. خاکی بودن، شیب زیاد و عرض کم راه‌های ارتباطی هزینه حمل و نقل را افزایش می‌دهد. این امر سبب شده بخش مهمی از اعتبار دولت، برای حمل و نقل مصالح ساختمانی هزینه شود که روستایی را با کسری بودجه ساخت مواجه کرده است. چون اغلب روستاییان از اقشار کم درآمد هستند، جهت تکمیل هزینه ساخت اقدام به فروش منابع تولیدی، دام کرده‌اند که موجب کاهش در آمد روستاییان شده است و جستجوی درآمد و شغل جدید در مواردی به ترک مسکن جدید منجر شده است. چنانکه جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد میانگین تعداد دام‌ها از ۱۴۰ رأس با انحراف معیار ۲۱.۱ قبل از ساخت مسکن به ۶۶ رأس با انحراف معیار ۳۵.۶ بعد از ساخت مسکن تنزل یافته است. (Asymp. Sig. (2-tailed) حاصل از آزمون

ویلکاکسون در مورد تعداد دام‌ها قبل و بعد از ساخت مسکن، برابر ۰.۰۰۲ است که به خوبی اثر ساخت مسکن را در کاهش تعداد دام دامداران نشان می‌دهد.

تحقیقات دیگری نیز مبین این ادعا است که ناکافی بودن وام مسکن و عدم توانایی خانوارهای مشمول طرح سبب ایجاد مشکلاتی برای تکمیل ساخت و سازها شده است. (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۳)

چهارم، رشد روزافزون جمعیت خصوصاً در جوامع روستایی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و سهولت رفت آمد و سفر اقشار روستایی به شهرها و جوامع بزرگتر، زمینه‌ساز نفوذ ارزش‌های شهرنشینی جدید و فرهنگ شهرنشینی به قلمرو روستاها شده است. دامداری سنتی با مشقات خاص خود، از یک طرف، آشنایی روستاییان با زندگی مرفهی که از طریق رادیو و تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شود، اقشار روستایی به ویژه زنان را از زندگی در محیط روستا عاصی کرده که ساخت منزل ۶۰ متری با استفاده از وام قادر به اقبای روحیه آنان نیست.

پنجم، در این ناحیه تحلیل وضعیت روستاییان با استفاده از دیدگاه پوزیتیویستی میسر نیست. هیچ نوع رابطه کمی و همبستگی آماری بین متغیرهای سواد، درآمد، تعداد دام و میزان رضایت از ساخت مسکن جدید وجود ندارد. گاهی روستاییان کم درآمد از ساخت مسکن جدید ناراضی هستند چون توان بازپرداخت وام را ندارند؛ در محل درآمدی متناسب تأمین معیشت آبرومند خود نمی‌یابند. حداقل تأمین معاش آبرومندان در ناحیه مورد مطالعه مستلزم ۱۵۰ رأس دام با نیروی کار و زمین لازم است، در نتیجه اقشار فقیر مجبور به ترک محل و تخلیه خانه‌های ساخته شده هستند. گاهی افرادی که به نسبت درآمد خوبی دارند، از ساخت خانه جدید ناراضی‌اند. از دلایل عمده این امر عدم امکانات آموزشی است. با توجه به جمعیت بالای خانوارها در این روستاها همه خانواده‌ها دارای فرزندان در سن تحصیل هستند، این در حالی است که در بیشتر روستاها تنها تا مقطع ابتدایی و در بقیه تا سطح راهنمایی دارای مدرسه هستند. این عده انگیزه و بضاعت مالی لازم برای ادامه تحصیل فرزندان را در اختیار دارند، اما فقدان دسترسی به مدارس موردنیاز سبب نارضایتی آنان از اقامت در محیط روستایی می‌شود. یعنی افراد با درآمد به نسبت بالاتر، توقع بیشتری دارند و خواهان امکانات بیشتری هستند، در حالی که در این دهستان و روستاهای آن امکانات مورد نیاز زندگی بسیار محدود است. در مواردی برخی افراد اعم از فقیر و یا به نسبت مرفه از ساخت مسکن جدید

و دریافت وام راضی هستند چون آن را به هر حال وسیله‌ای برای خانه‌دارشدن خود تلقی می‌کنند که در غیر این صورت هرگز میسر نمی‌گردد.

وقوع بلایای طبیعی (سیل، زلزله، زمین لغزش) ایجاب می‌کند که قوانین و مقررات مربوط به مقاوم‌سازی در نظام مهندسی به اجرا گذاشته شود. در نتیجه سیما و منظر فضاهای روستایی تغییر می‌کند که ناهمگونی شدیدی با بافت‌های اورگانیک زیبای سنتی (از دید جوامع روستایی) پیدا کرده است. راه‌کار مناسبی جهت حفظ بافت سنتی روستا توسط برنامه‌ریزان و طراحان ارائه نشده است. این مسأله بخصوص در مناطق روستایی ایلام، که تا حدود زیادی به فرهنگ و آداب و رسوم سنت‌های دیرین پای‌بندی دارند، محسوس است و در طرح‌های ساخت مسکن روستایی به مسئله ارزش‌های سنتی و فرهنگی خاص اقوام منطقه‌ای کمتر توجه شده است. از این رو، ساخت و سازهای بی‌روح به فضای روستایی تحمیل شده است که روستایی قادر به هضم آن نیست. یعنی درست است که در شرایط فقدان سرپناه، به دست آوردن هر سرپناهی غنیمت است اما در مرحله بعد خواست‌های روحی و روانی انسان خود را به نمایش می‌گذارد.

بنابراین، سیاست ارائه اعتبار کم بهره جهت تأمین مسکن روستایی گرچه گام ضروری و مفیدی در توسعه جزئی از اجزای توسعه روستایی بوده است، اما با توفیق کامل همراه نبوده است زیرا در قالب برنامه‌ریزی همه جانبه توسعه روستایی و هماهنگی با اهداف توانمندسازی^۱ ارائه نشده است. در نتیجه مشارکت جامعه روستایی به عنوان فرآیندی حاصل نشده است که توسط آن افراد، خانواده‌ها یا اجتماعات، مسئولیت بهداشت و رفاه خود را به عهده گرفته و توانمندی‌های خود را در امر بهبود وضعیت خویش و اجتماعشان افزایش دهند. (اوکلی - مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۷)

از این رو، اساسی‌ترین راه‌حل و بنیانی‌ترین روش دستیابی به توسعه توانمندسازی جامعه بر پایه استعدادهای انسانی و منطقه‌ای است تا آنان ضمن کسب معاش آبرومند خود تصمیم بگیرند کجا اقامت گزینند و در چه مساکنی زندگی کنند. در غیر این صورت راه طولانی، هزینه‌ها بسیار و دستاورد ناچیز خواهد بود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی - غلامرضا، غفاری (۱۳۸۳): توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی
۲. افراخته، حسن (۱۳۷۸): برنامه‌های توسعه و ضرورت بهسازی خانه‌های روستایی، مجله سپهر، شماره ۲۹
۳. اوکلی، پیتز - مارسدن، دیوید (۱۳۷۰): رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، وزارت جهاد سازندگی
۴. اهری، زهرا، امینی جدید، شهلا (۱۳۷۵): تجارب کشورهای مختلف در تأمین مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۵. اهری، زهرا (۱۳۶۷): مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی
۶. برمرژه، کریستیان (۱۳۷۰): مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاالدین گوشه‌گیر، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۷. پورمحمدی، محمدرضا؛ خوب‌آیند، سعید (۱۳۶۹): "بررسی و ارزیابی سیاست‌های تأمین مسکن برای گروه‌های کم درآمد شهری، مورد مطالعه شهر تبریز"، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی: ۷۶-۳۵
۸. توکلی، جعفر؛ ضیاءتوانا، محمدحسن (۱۳۸۸): پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱: ۵۳-۸۶
۹. جمعه پور، محمود (۱۳۸۵): مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روشها، تهران، انتشارات سمت
۱۰. چمبرز، رابرت (۱۳۷۷): توسعه روستایی؛ اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران
۱۱. دروئو، ماکس (۱۳۷۴): جغرافیای انسانی، ترجمه سیوس سهامی، تهران، نشر رایزن
۱۲. دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد مسکن (۱۳۷۰-۱۳۸۰-۱۳۸۱): فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره‌های ۳۰، ۳۳، ۳۲
۱۳. دلال پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۹): برنامه‌ریزی مسکن، تهران، انتشارات سمت
۱۴. دیاس. ه. د، ویکرامانایاک. بی. دبلیو. ای (۱۳۶۸): درسنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، جهاد سازندگی
۱۵. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس

۱۶. زمردیان، اصغر (۱۳۸۶): مدیریت تحول، چاپ هفتم، تهران، سازمان مدیریت صنعتی
۱۷. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۶-۱۳۸۸): فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره‌های ۱۲۰ و ۱۲۶
۱۸. سعیدی، عباس و UNDP (۱۳۷۵): شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۱۹. سعیدی، عباس (۱۳۸۷): دانشنامه بزرگ مدیریت شهری و منطقه‌ای، وزارت کشور
۲۰. طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۸): مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، چاپ سوم، دانشگاه تهران
۲۱. فتوحی، اکبر (۱۳۸۲): کتاب آموزشی اس‌پی‌اس‌اس ۱۰، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آصال
۲۲. مخبر، عباس (۱۳۶۳): ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
۲۳. مشاورین DHV هلند (۱۳۷۱): رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه سید جواد میر، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی
۲۴. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲): برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی
25. Bratt, R. G (2002): "Housing and family well-being", *Housing studies*, vol 17.no 1, pp:13-26.
26. Hollt. D (1973): "Training for rural development", Forth UN seminar, June, 7-15.
27. Kitchen, Ted (2007): 12 skills for planning practice, Macmillan Palgrave.
28. Knapp, E (1982): *Housing problem in third world*, University of Stuttgart.
29. Lawrence Mark (1995): "Rural Homelessness: A geography without a geography", *Journal of rural studies*, volume 11, number 3, July 1995, pp: 297-307.
30. Luttrell, Cecilia and Quiroz, Sitna (2007): *Understanding and operating empowerment*, Swiss agency for development and cooperation.
31. Moseley. J.M (2003): *Rural development: Principles and practice*, London, SAGE publications.